خلاف ارتکاز بودن تفاوت شروع ماه در بلاد قریبه ای کبیره

(16:20)

شاگرد: ملاک، دیده شدن در همین بقاعی است که قرار است عبادتی انجام بشود؟

استاد: تعبیر ایشان این بود که رویت هلال و قابلیت آن برای رویت میزان است. خب این برای ما سؤال ایجاد میکند. قابلیت هلال یعنی هلال قابل بشود، ولو جایمان را عوض کنیم. شما میگویید این چراغ قابلیت رویت دارد، یعنی روشن است. شما اگر از این طرف آن را ببینید، میگویید میتوانم ببینم.

شاگرد: بلاد کبیره هم منظور ایشان است.

شاگرد۲: علاوهبراین خلاف ارتکاز است که همان آن برای یکی باشد ولی برای کسی که در نیم کره شمالی است، قابل رویت نباشد.

شاگرد۳: جواب ایشان قابل حدس است. میتوانند بگویند منظور من که مطلق رویت نبود. و الا ممکن است در سیارات دیگری قبل از اینکه از تحتالشعاع خارج بشود دیده بشود. یعنی منظور ایشان همان آفاق شخص است که قابلیت رویت داشته باشد. حضرت عالی باید همان ضمیمه ارتکاز را بفرمایید تا بیشتر روی آن بحث بشود.

شاگرد۴: ایشان میفرمایند: در فرمایش حضرت عالی نقشه رویت پذیری ماه جمادی الاولی مورد استشهاد و بلکه استیناد قرار گرفت، به این تقریر که فردی که در یمن است یک هلال را بصورت عادی می بیند. احتمالاً میپذیریم که شب اول بودن ای شب سی ام ماه قبل بودن، کاملا اعتباری است. کما اینکه دو نفری که با فاصله اندکی در دو طرف خط زمان هستند، هر دو در تاریکی و در شب هستند، یکی در سهشنبه به سر میبرد و دیگری در چهارشنبه. یکی در سی و یکم دسامبر است و دیگری در یکم ژانویه.

استاد: پس حاصلش این است: ایشان پذیرفتهاند که چون ما در نیم کره شمالی هستیم، اعتباری است دیگر. همین شب واحد است، چند قدم آن طرف تر، شب سی ام ماه میشود و چند قدم این طرف تر، شب اول میشود. البته این را هم ببینید؛ تأکید ایشان روی ارتکاز هم بود. همین نقشه ای که از روز دوم جمادی الثانی آوردیم را ببینید؛ در ایران یک جا با تلسکوپ هم نمیشود دید ولی یک جا با تلسکوپ میتوان دید. یک جا پایینتر میرویم، با شرائط خوب و با پدیدا کردنش با تلسکوپ میتوان هلال را دید. خب اینجا چه؟ اینجا هم همین را میگویند که اعتباری است. خب در کاشان ماه دیده شد، فردا ماه مبارک میشود و اول ماه است. همین امشب مثلاً در قم با تلسکوپ دیده نمیشد، چرا؟ چون این لایهها نزدیک هم است. خلاصه یک مرز و فاصلهای پیدا

می‌شود که می‌توان دقیقاً محاسبه کرد. حالا اگر به این صورت است، بنابراین اعتباری است. یعنی اول ماه کاشان شروع شده، چون عرض شمالی آن کمتر است و رویت هلال صورت گرفته است. اما مثلاً قم چون عرض شمالی دارد، طبق فرض ما حتی با تلسکوپ هم قابل رویت نیست، ماه ثابت نشود.

علی ای حال مطالب را تصور کنیم، بعد مطالب بعدی را بررسی کنیم.

شاگرد: قبلاً فرمودید اگر ارتباطات قوی بشود، در شکل‌گیری ارتکازات تأثیری دارد. اگر به این فرمایش اخیرتان یک مقدمه اضافه کنید شاید در بحث ارتکاز جلو برود. آن هم این است که اگر در این‌جا بخواهند کشور ای بلد را بگویند، و اعتبار را روی این سوار کنند، حالا اگر اعتبار عوض شد و مرزها از بین رفت و یک استان پدید آمد؛ مثلاً قم و کاشان یک استان شد، درحالی‌که ارتباطاتشان هم زیاد شد. ای اگر یک کشوری کشور دیگری را گرفت و ارتباطاتشان هم زیاد بود... .

استاد: ولو بلغ ام بلغ! این تعبیر را در عبارت "بُلدان کبیره" مرحوم آقای رفیعی یادم است. گاهی در خاطرات طلبگی چیزی به یاد آدم می‌ماند. بلدان کبیره یک بحث مشکلی بود. الآن نمی‌دانم اختلاف سنگینی هست یا نه. فتاوا دستم نیست. یک زمانی در تهران عده‌ای مجبور بودند که در ماه مبارک در اداره خود ساکن بشود، و نمی‌توانست به خانه برود و با عیالش سحری بخورد، چون می‌گفتند این بلدان کبیره است و مسافرت حساب می‌شود. در روزه هم تو باید قصد توطن بکنی. خب آن زمان این جور بود. الآن را نمی‌دانم. آن زمان یادم هست که در ذهن من خیلی صاف می‌شد که بلدان کبیره یک بلد است. نباید این جور چیزها را بگوییم. تا این‌که به حاشیه مرحوم آقای آسید ابوالحسن رفیعی رضوان الله علیه رسیدم. بالای سر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم دفن هستند. بیخ دیوار هستند. رضوان الله تعالی علیه! در حاشیه عروه خود فرموده بودند: بلدان کبیره یک شهر است، ولو بلغ ام بلغ! یعنی هر چه هم بزرگ بشود باز یک شهر است. این‌ها هم که گفتند کاشان و قم به هم وصل بشوند، گاهی کل کره به هم وصل می‌شوند.

شاگرد: در بحث‌های دیروز می‌فرمودید اگر کسی در یمن بگوید شب اوّل‌ماه است با این‌که ما در ایران بگوییم، خیلی به متعارفمان ضربه نمی خورد. ولی اگر جایی باشد که قبلاً یکی حساب می‌کردیم، الآن دیگر ارتباطاتمان شده باشد... .

استاد: می‌خواهم یک چیزهایی را عرض کنم ولی در مباحثه یادم می‌رود. ببینید الآن در خود بلاد، در هر پنج دقیقه شمس در سیر خودش بیش از یک درجه می‌رود. یعنی شما در یک شهر بزرگ که هستید شرق آن شهر با غرب آن شهر دو افق دارد. دو طلوع و غروب دارد. تفاوتی به این صورت دارند. ولی شما می‌گویید در یک شهر هستیم. و حال این‌که اگر می‌خواهید «مطلع الفجر» را نوعی کنید، شب و روز را نوعی کنید همه این‌ها می‌آید. در یک شهر، واقعاً در شرقش اهلال هلال نشده، در غربش واقعاً اهلال هلال شده است. چون در هر پنج دقیقه شمس دارد یک درجه سیر می‌کند، قمر هم برنامه خودش را دارد. این مانعی ندارد. لذا خلاف ارتکاز ما است که یک شهر را تقسیم کنیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 19 ژانویه 2026 14:47:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 15:21:24 توسط ... .